



**برای این پسر مسالت نمودم و خداوند مسالت مرا که از او طلب نموده بودم،
به من عطا فرموده است. اول سموئیل ۱: ۲۷**

"دعا کردن با غیرت و قوت"



وقتی که زندگی نامه یک کشیش معروف رو مطالعه می کردم مهمترین نکته در سرگذشت او و تغییر مسیر او در زندگیش، دعا کردن هر روزه مادر بزرگ او برایش بود. این برای من خیلی جالبه که او اتفاقاً فرزند بسیار سرکشی بود و به قول گفتنی حرف گوش نکن بود و یک روز که یواشکی به پشت در اتاق مادر بزرگش میره که فضولی کنه از زیر در نگاهی به داخل می کنه و می بینه که مادر بزرگ روی دو زانوش در حال دعا کردن هست و این مسئله باعث کنجکاوی اون میشه و شروع به سوال و جواب کردن می کنه و این باعث ایمان آوردنش به عیسای مسیح می شه.

در آینده که او یک کشیش معروف و قابل احترام می شه هر یکشنبه مادر بزرگش در ردیف جلوی کلیسا می نشسته و با سره پایین و چشمانی بسته برای او و موعظه اون دعا می کرده تا او با قوت خداوند کلام رو موعظه کنه.

چند سال بعد که مادر بزرگ از این دنیا میره، نوه او که حالا یک کشیش بزرگ با یک کلیسا بزرگ هست خرد میشه و خیلی پریشان حال میشه و این نشأت گرفته از رابطه نزدیک او با مادر بزرگش و علاقه شدید او به مادر بزرگش بود. یکشنبه بعد که قدم به جایگاه موعظه میذاره و کتاب مقدس رو باز میکنه که شروع کنه متوجه صندلی خالی میشه که مادر بزرگ روی اون می نشست و برایش دعا می کرد و او احساس می کنه که بدون دعا او نمی تونه موعظه کنه و قوت حرف زدن نداره در این لحظه یکی از زنان موی سفید کلیسا که متوجه این مسئله شده بود از جای خود بلند شده و به جلوی کلیسا می آید و روی اون صندلی خالی می شینه و به کشیش می گه که من از این به بعد مادر بزرگ تو هستم و سرش رو پایین می اندازه و شروع به دعا برای کشیش می کنه و کشیش شروع به موعظه می کنه.



ای خداوند آسمانی، سپاسگذار تو هستم برای افرادی که با ایمان به تو برای من در
طول زندگیم دعا کردند. لطفاً کمک کن که من هم یک جنگجو روحانی در دعا باشم
برای افراد دیگر. آمین